

رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای

چکیده: دیوان بین‌المللی دادگستری برای نخستین بار به بررسی مسأله‌ای پرداخت که در ظرف پنجاه سال گذشته، بشریت را مورد تهدید قرار داده است. دیوان در نظر مشورتی خود اعلام نمود که در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی هیچ قاعده‌ای صراحتاً تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای را مجاز ندانسته، هر چند که هیچ قاعده‌ای در خصوص ممنوعیت جامع و کامل تهدید به استفاده یا استفاده از این سلاح نیز وجود ندارد. دیوان همچنین اعلام نمود که هرگونه تهدید به استفاده یا استفاده از این سلاح باید تابع حقوق بشردوستانه باشد. یکی دیگر از مهمترین نکات این رای این است که دیوان بین‌المللی دادگستری کشورهای جهان را متعهد نموده که با حسن‌نیت مذاکراتی را جهت دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای در تمامی جنبه‌های آن، انجام دهند.

۱. درخواست نظر مشورتی

در ۱۴ ماه مه ۱۹۹۳، مجمع بهداشت جهانی اقدام به صدور قطعنامه‌ای نمود و نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را در خصوص این مسأله که آیا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط دولتی در جنگ، با توجه به آثار بهداشتی و زیست‌محیطی آن، نقض تعهدات این دولت بر اساس حقوق بین‌الملل و از جمله اساسنامه سازمان بهداشت

جهانی می‌باشد یا خیر، جویا شد. (۱) هنگام طرح این مسأله در مجمع بهداشت جهانی، دولتهای دارای سلاح هسته‌ای مخالفت شدید خود را با تصویب این قطعنامه اعلام نمودند.

در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴، مجمع عمومی ملل متحد با صدور قطعنامه ۴۹/۷۵K، ضمن استقبال از درخواست نظر مشورتی توسط سازمان بهداشت جهانی، خود نیز با طرح این پرسش که آیا تهدید به استفاده یا استفاده از سلاحهای هسته‌ای، در هر شرایطی بر اساس حقوق بین الملل مجاز می‌باشد خواستار نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری شد. (۲)

هرچند دو پرسش مطرح شده در ظاهر شباهتهایی با یکدیگر دارند، اما کاملاً یکسان نیستند. پرسش مجمع بهداشت جهانی تنها استفاده از سلاحهای هسته‌ای را در برمی‌گیرد، در حالی که مجمع عمومی ملل متحد تهدید به استفاده را نیز در پرسش خود گنجانده است؛ به علاوه، مجمع بهداشت جهانی، به منظور اینکه پرسش مطرح شده در چارچوب صلاحیت و فعالیت‌هایش باشد بر آثار بهداشتی و زیست‌محیطی کاربرد سلاح هسته‌ای و تعهدات دولتها بر اساس منشور سازمان بهداشت جهانی تأکید نموده، در حالی که مجمع عمومی ملل متحد که با چنین محدودیتی روبرو نمی‌باشد، پرسش خود را به نحو کلی مطرح نموده است.

مراحل رسیدگی کتبی و شفاهی این دو درخواست نظر مشورتی، همزمان برگزار شد. ۲۲ کشور، و از جمله جمهوری اسلامی ایران در مرحله شفاهی، در دیوان حاضر شدند و نظرات خود را پیرامون این مسأله مطرح نمودند (۳۰ اکتبر تا ۱۵ نوامبر ۱۹۹۵). دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ نظر مشورتی خود را صادر نمود.

۲. صلاحیت رسیدگی به درخواست نظر مشورتی

دیوان بین‌المللی دادگستری، در خصوص صلاحیت رسیدگی به درخواست نظر مشورتی سازمان بهداشت جهانی، اعلام نمود که هیچ‌یک از وظایف سازمان بهداشت جهانی که در ماده ۲ اساسنامه این سازمان ذکر شده است، صراحتاً به مسأله مشروعیت

فعالیت‌هایی که برای بهداشت مضر است، اشاره نمی‌کند و به علاوه هیچ‌یک از وظایف سازمان منوط به مشروعیت شرایطی که سازمان باید این وظایف را انجام دهد، نیست در حالی که پرسش مطرح شده توسط سازمان بهداشت جهانی به مشروعیت استفاده از چنین سلاح‌هایی می‌پردازد، (۳) که با ۱۱ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف به این نتیجه می‌رسد که قادر به صدور نظر مشورتی تقاضا شده توسط مجمع بهداشت جهانی نمی‌باشد. (۴)

در مقابل، دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر این نکته که مجمع عمومی ملل متحد در خصوص پرسش مطرح شده علاقه درازمدتی دارد و فعالیتها و قطعنامه‌های این مجمع مؤید این نکته است، (۵) پرسش مطرح شده واجد جنبه حقوقی است (۶)، هدف نظر مشورتی حل و فصل اختلاف بین دولتها نیست بلکه هدف ارائه مشاوره حقوقی به سازمانها و نهادهایی هست که خواستار صدور نظر مشورتی شده‌اند و در هر حال دیوان می‌تواند در خصوص هر مسأله حقوقی نظر مشورتی صادر نماید. (۷) مجمع عمومی این حق را دارد که خود در خصوص فایده نظر مشورتی - با توجه نیازهایش - تصمیم‌گیری نماید (۸) و سرانجام اینکه دیوان نمی‌تواند در تشخیص اینکه آیا دلیل قانع‌کننده‌ای برای خودداری از صدور رأی وجود دارد یا خیر، به مبانی یا تاریخچه سیاسی درخواست یا توزیع آرا در هنگام تصویب قطعنامه توجه کند (۹) که با ۱۳ رأی موافق در برابر ۱ رأی مخالف، تصمیم به صدور نظر مشورتی در پاسخ به درخواست مجمع عمومی ملل متحد می‌گیرد. (۱۰)

در ادامه، دیوان بین‌المللی دادگستری به بررسی حقوق قابل اعمال در این قضیه پرداخت.

۳. حقوق قابل اعمال

الف. حقوق بشر

در رسیدگی به این قضیه، برخی از دولتها معتقد بودند که استفاده از سلاح هسته‌ای با قواعد حقوق بشر (برای مثال ماده ۶ میثاق حقوق اجتماعی و سیاسی) که از حق حیات انسانها دفاع نموده و کشتن خودسرانه انسان را ممنوع می‌کند، مغایرت دارد. دیوان

بین‌المللی دادگستری اعلام نمود که این قاعده در مخاصمات مسلحانه نیز اجرا می‌شود، ولی برای تعیین خودسرانه بودن مرگ انسانها در جریان مخاصمات مسلحانه، باید به قواعد حاکم بر مخاصمات^۱ مراجعه نمود و در این زمینه نمی‌توان تنها به سند حقوق بشر بسنده کرد. (۱۱)

ب. ممنوعیت کشتار جمعی

با توجه به قدرت نابودکنندگی عظیم و گسترده سلاح هسته‌ای و اینکه کاربرد آن در هیروشیما و ناگازاکی به مرگ هزاران انسان انجامید، برخی از حقوق‌دانان معتقدند که کاربرد سلاح هسته‌ای به علت عواقب وحشتناک و قدرت نابودکنندگی گسترده آن، منجر به ارتکاب جنایت کشتار جمعی توسط دولت استفاده‌کننده از این سلاح می‌گردد، ولی عبارت‌پردازی ماده ۲ معاهده ژوئیه ۱۹۴۸ در خصوص ممنوعیت کشتار جمعی، به نحوی است که نمی‌توان به سادگی به این نتیجه دست یافت. به موجب این ماده، مهمترین عنصر ارتکاب این جنایت نه صدمه و تخریب، بلکه قصد وارد نمودن چنین صدمه و تخریبی است. به تعبیر دیگر، اگر اعمال مذکور در این ماده با قصد و هدف تخریب گروهی، نژادی، ملی، مذهبی و... صورت نگیرد، جنایت کشتار جمعی تحقق نمی‌یابد. (۱۲)

در هنگام بحث در خصوص این ماده در کمیته ششم مجمع عمومی، نماینده شوروی سابق با پشتیبانی فرانسه پیشنهاد نمود که عبارت قصد از ماده مذکور حذف شود و عبارت به نحوی تنظیم شود که ادعای فقدان قصد، منجر به تبرئه عاملین این جنایت نگردد. ولی این پیشنهاد با مخالفت سایر دولتها روبه‌رو شد، چرا که به عقیده این گروه، عنصر قصد از مهمترین عناصر تشکیل‌دهنده این جنایت می‌باشد. (۱۳)

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود با اشاره به استدلال برخی دولتها مبنی بر اینکه کاربرد سلاح هسته‌ای (به علت کثرت قربانیان، اینکه در برخی موارد قربانیان از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی خاص می‌باشند و سرانجام اینکه قصد

نابودکردن این گروه را می‌توان از این امر که به‌کارگیرنده سلاح هسته‌ای به نتایج روشن استفاده از این سلاح توجهی ننموده استنتاج نمود) به جنایت کشتار جمعی منجر می‌گردد، اظهار داشت: «... اگر توسل به سلاحهای هسته‌ای در بردارنده عنصر قصد (کشتار جمعی) نسبت به گروهی باشد که براساس ماده مذکور پیش‌بینی شده، ممنوعیت کشتار جمعی در این مورد مطرح می‌گردد، به عقیده دیوان، تنها زمانی می‌توان به این نتیجه رسید که شرایط مربوط به هر قضیه مورد توجه قرار گیرد». (۱۴) بنابراین، از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری هرگونه استفاده از سلاح هسته‌ای به جنایت کشتار جمعی منجر نمی‌گردد، بلکه در هر مورد باید بررسی نمود که استفاده از این سلاح با قصد نابودی گروههای مربوطه صورت پذیرفته یا خیر. این نظر دیوان دقیقاً مشابه استدلالی است که قدرتهای هسته‌ای در جریان رسیدگی دیوان مطرح می‌کردند.

ج. حمایت از محیط زیست

برای نخستین بار اصل ۲۶ کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ در خصوص محافظت از بشریت و محیط‌زیست در برابر سلاحهای کشتار جمعی اعلام نمود: «بشریت و محیط زیست او باید در برابر آثار سلاحهای هسته‌ای و تمامی وسایل تخریب جمعی مصون بمانند». (۱۵) کنوانسیون ممنوعیت تغییرات زیست‌محیطی برای نخستین بار به مسأله استفاده از محیط‌زیست، به‌عنوان ابزاری در جریان مخاصمات مسلحانه پرداخت. بنابر ماده ۱ این کنوانسیون، هر دولت عضو این معاهده متعهد می‌گردد که از تکنیکهای تغییر محیط زیست که آثار گسترده، درازمدت یا شدیدی دارند، به‌عنوان ابزار تخریب، خسارت یا صدمه به سایر دولتهای عضو معاهده، استفاده نظامی یا سایر استفاده‌های خصمانه ننماید و ماده ۲ این کنوانسیون بر عنصر قصد تأکید خاصی می‌نماید. (۱۶) این امر نشان می‌دهد اگر کاربرد سلاح هسته‌ای و بویژه سلاح حرارتی - هسته‌ای که طوفانهای بسیار سهمگینی ایجاد می‌کند، با هدف و قصد ایجاد طوفان به‌کار نرود و طوفان حاصله از نظر استفاده‌کننده از سلاح هسته‌ای جنبه ثانوی داشته باشد، مشمول ممنوعیت معاهده نمی‌شود. در پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو مورخ ۱۹۷۷ نیز ماده ۲ به حمایت از محیط‌زیست اختصاص یافت. به موجب بند ۳ ماده ۳۵ این پروتکل،

استفاده از شیوه‌ها یا وسایل نبردی که هدف از آنها ایجاد خسارت گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست طبیعی می‌باشد، یا انتظار می‌رود که چنین خسارتی به بار آید، ممنوع است. (۱۷) ماده ۵۵ نیز با عبارتی مشابه، همین نکته را بیان می‌دارد.

در ادامه این تلاشها برای محافظت از محیط زیست، مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۲ منشور جهانی طبیعت را به تصویب رساند که به موجب بند ۵ آن، باید طبیعت را در برابر صدمات ناشی از جنگ و سایر فعالیت‌های خصمانه در امان داشت و همچنین باید از فعالیت‌های مخرب طبیعت اجتناب نمود. (۱۸) اصل ۲۴ اعلامیه ریودژانیرو نیز اعلام نمود: «جنگ ذاتاً نابودکننده توسعه پایدار می‌باشد. بنابراین دولتها باید به مقررات بین‌المللی ناظر به حمایت از محیط زیست در دوران مخاصمه مسلحانه احترام گذارند و در صورت لزوم در توسعه بیشتر این قواعد همکاری نمایند.» هرچند که این مواد می‌توانند در برگرفته آثار زیست محیطی کاربرد سلاح هسته‌ای باشند، ولی اعمال آنها در خصوص این سلاح با دو مشکل روبه‌رو است. نخست آنکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که برگزارکننده کنفرانس بررسی و تصویب این پروتکل بود، پیش از تشکیل کنفرانس اعلام نمود که مواد این پروتکل به سلاح‌های کشتار جمعی و از جمله سلاح‌های هسته‌ای تسری نمی‌یابد و در طول مذاکرات نیز قدرتهای هسته‌ای و بویژه ایالات متحده و بریتانیا اعلام نمودند که سلاح‌های هسته‌ای مشمول مقررات پروتکل نمی‌شوند. دومین مشکل نیز این است که بسیاری از دولتها و از جمله دولت ایالات متحده اعلام نمودند که بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل، توسعه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند و حقوق بین‌الملل عرفی فاقد چنین مقرراتی است. (۱۹) دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در مورد مشکل اول اظهار داشت: «هرچند که در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۷۷-۱۹۷۴ بحث ماهوی در خصوص سلاح هسته‌ای صورت نگرفت و هیچ راه‌حلی در خصوص این مسأله ارائه نشد، پروتکل اول الحاقی به‌هیچ‌وجه جایگزین قواعد عمومی عرفی حاکم بر تمامی ابزارها و شیوه‌های جنگی و از جمله سلاح‌های هسته‌ای نشد. بویژه دیوان یادآوری می‌نماید که تمامی دولتها ملزم به رعایت آن دسته از قواعد مندرج در پروتکل اول الحاقی هستند که در هنگام تدوین، بیانگر قواعد عرفی موجود می‌باشند.» (۲۰) بدین ترتیب دیوان بین‌المللی دادگستری به

این بحث که پروتکل اول الحاقی قابل اعمال در خصوص سلاح هسته‌ای نمی‌باشد، پایان داد. در مورد مشکل دوم دیوان ضمن تأکید بر اینکه کاربرد سلاح هسته‌ای فاجعه‌ای برای محیط‌زیست به‌شمار می‌رود و دولتها متعهدند تضمین نمایند که فعالیتهای صورت گرفته در سرزمین و مناطق تحت کنترل آنها به محیط زیست سایر دولتها یا مناطق خارج از کنترل آنها آسیبی نرساند، (۲۱) اظهار می‌دارد: «دیوان بر این اعتقاد نیست که هدف معاهدات مورد بحث، محروم نمودن دولتی از حق دفاع مشروع بر اساس حقوق بین‌الملل به علت تعهدات این دولت در محافظت از محیط زیست بوده است. با وجود این، دولتها باید در هنگام ارزیابی اقدامات لازم و متناسب در خصوص اهداف نظامی مشروع، ملاحظات زیست محیطی را نیز مدنظر قرار دهند. احترام به محیط زیست یکی از عناصری است که در هنگام ارزیابی این امر که آیا عملی مطابق اصول ضرورت و تناسب صورت گرفته یا غیر، مورد توجه قرار می‌گیرد.» (۲۲) در ادامه، دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن تأکید بر این نکته که بند ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو حمایت بیشتری برای محیط‌زیست مقرر می‌دارد، اعلام نمود که این مواد تنها برای دولتهای عضو پروتکل الزام‌آور است. (۲۳) بدین ترتیب، دیوان به این نتیجه می‌رسد که این دو ماده پروتکل جنبه عرفی پیدا نکرده است. سپس دیوان به قطعنامه ۴۷/۳۷ مجمع عمومی اشاره می‌کند. در این قطعنامه، مجمع عمومی با بیان این مطلب که تخریب محیط زیست بدون توجه به ضرورت نظامی و به طور خودسرانه، نقض حقوق بین‌الملل موجود می‌باشد، از دولتها می‌خواهد در جریان مخاصمات مسلحانه تمامی اقدامات لازم را برای تضمین رعایت قواعد بین‌المللی حاکم بر حفاظت از محیط زیست به کار گیرند و به معاهدات بین‌المللی مربوطه ملحق شوند. (۲۴) دیوان به این نتیجه می‌رسد که با وجود اینکه حقوق بین‌الملل مربوط به محافظت و نگهداری از محیط زیست، صراحتاً استفاده از سلاح هسته‌ای را ممنوع نمی‌کند، ولی نشانگر عوامل زیست محیطی مهمی است که باید در جریان اعمال اصول و قواعد قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه مورد توجه واقع شود. (۲۵) بنابراین از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، محیط زیست یکی از عواملی است که در ارزیابی ضرورت و تناسب مورد توجه قرار می‌گیرد. این اظهار نظر دیوان نقشی را برای عوامل زیست محیطی قائل

می‌شود که هیچ‌یک از قدرتهای هسته‌ای در جریان رسیدگی دیوان نه‌تنها به آن اشاره‌ای نداشتند، بلکه برعکس، تمامی کوشش خود را نمودند تا محیط زیست را در زمره عوامل مؤثر بر کاربرد سلاح هسته‌ای به حساب نیاورند یا کمترین اهمیت را برای آن قائل شوند.

د. دفاع مشروع

در طول نیم‌قرنی که از تولید سلاح هسته‌ای می‌گذرد، تهدید به کاربرد این سلاح که اصطلاحاً بازدارندگی هسته‌ای نامیده می‌شود، نقش مهمی در روابط بین‌المللی و بویژه در روابط دو ابرقدرت بازی نمود. یکی از مهمترین مشخصه‌های بازدارندگی هسته‌ای، تهدید به بمباران هسته‌ای مناطق شهری و مجتمع‌های صنعتی بود. برخلاف جنگهای متعارف که تنها اهداف نظامی می‌توانستند مورد حمله قرار گیرند، اساس بازدارندگی هسته‌ای در جریان جنگ سرد، بر هدف قرار دادن مناطق غیر نظامی و تخریب کلیه مراکز اقتصادی و اجتماعی دولت رقیب مبتنی بود و در حقیقت قدرتهای هسته‌ای صلح بین خود را با مورد تهدید قرار دادن جان میلیونها انسان حفظ نمودند. (۲۶)

در جریان رسیدگی دیوان، دولتهای دارای سلاح هسته‌ای بر اهمیت بازدارندگی هسته‌ای تأکید کردند. دیوان بین‌المللی دادگستری با پذیرش این امر که دولتها در مواردی علائمی از خود دال بر در اختیار داشتن سلاحهایی نشان می‌دهند که در دفاع مشروع علیه هر دولتی که تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی آنها را مورد تجاوز قرار دهد، مورد استفاده قرار خواهد گرفت، (۲۷) اعلام نمود: «اینکه آیا تهدید مغایر بند ۴ ماده ۲ [منشور ملل متحد] می‌باشد، به این امر بستگی دارد که آیا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور یا علیه اهداف ملل متحد می‌باشد یا اگر هدف از توسل به زور دفاع است، اصول ضرورت و تناسب را نقض می‌کند یا خیر. در هر یک از این شرایط، استفاده از زور و تهدید به استفاده از آن بر اساس منشور نامشروع خواهد بود». (۲۸) دیوان بین‌المللی دادگستری در ادامه افزود که: «نمی‌تواند رویه موسوم به سیاست بازدارندگی را که بخش قابل توجهی از جامعه بین‌المللی سالها از آن پیروی نمودند، نادیده بگیرد» (۲۹) بنابراین، از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، در مواردی که

استفاده از سلاح هسته‌ای برای دفاع مشروع ممنوع نباشد، بازدارندگی هسته‌ای مشروع می‌باشد و بر همین اساس دیوان برخلاف نظر برخی کشورها، صرف مالکیت سلاح هسته‌ای را تهدیدی نامشروع به توسل به‌زور تلقی نکرد. (۳۰) قاضی شی جیونگ در اعلامیه خود با این نظر دیوان مخالفت کرد و اظهار داشت: «بدون شک، این رویه برخی دولتهای دارای سلاح هسته‌ای به سیاست بین‌المللی تعلق دارد و نه حقوق و این امر از جهت ایجاد یک قاعده عرفی در خصوص ممنوعیت استفاده از سلاحهای هسته‌ای فاقد هرگونه ارزش حقوقی است.» (۳۱)

با توجه به پیامدهای منفی کاربرد سلاح هسته‌ای، این پرسش مطرح می‌شود که آیا چنین کاربردی با قواعد ناظر به دفاع مشروع در تضاد نیست؟ از نظر دولتهای دارای سلاح هسته‌ای، مهمترین هدف از دفاع مشروع، حفظ و بقای دولت است و از این روی، هر عملی در جهت نیل به آن، صحیح و قانونی است. از نظر این دولتها، در ارزیابی تناسب که یکی از شروط دفاع مشروع می‌باشد، باید به تهدیدی که دولت قربانی با آن روبه‌رو است توجه کرد و در تخمین آن باید به طبیعت حمله، دامنه آن و خطر بوجود آمده توجه کرد و از این روی، در مواردی می‌توان بدون زیرپا گذاشتن اصل تناسب، از سلاح هسته‌ای استفاده نمود. در مقابل، مخالفین کاربرد سلاح هسته‌ای معتقد بودند که با توجه به صدمات و خسارات وارده، هیچ‌گونه تناسبی بین این خسارات و مزیت نظامی به‌دست آمده وجود ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری با اشاره به رأی نیکاراگوئه که در آن اعلام نموده بود اقدامات صورت گرفته در چارچوب دفاع مشروع باید متناسب با حمله مسلحانه و ضروری باشد، (۳۲) اظهار داشت: «اصل تناسب به تنهایی نمی‌تواند مانع از استفاده از سلاحهای هسته‌ای در دفاع مشروع در تمامی شرایط شود، ولی در عین حال استفاده از نیروی مسلحانه به‌گونه‌ای که براساس قواعد دفاع مشروع متناسب می‌باشد، باید هم‌چنین به‌منظور مشروع بودن، شرایط پیش‌بینی شده در قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه را که بویژه شامل اصول و قواعد حقوق بشردوستانه می‌شود، رعایت نماید.» (۳۳)

دیوان بین‌المللی دادگستری سپس به بررسی عوامل مؤثر بر ارزیابی تناسب در کاربرد سلاح هسته‌ای پرداخت و با اشاره به نظرات دولتهایی که معتقدند کاربرد سلاح

هسته‌ای منجر به افزایش تشنج و تشدید حملات با سلاح‌های هسته‌ای خواهد شد، اعلام نمود: «برای دیوان کافی است به این نکته توجه نماید که طبیعت تمامی سلاح‌های هسته‌ای و خطرات گسترده مرتبط با آنها ملاحظات دیگری هستند که باید توسط دولتهایی که معتقدند می‌توانند در چارچوب دفاع مشروع به پاسخی هسته‌ای با رعایت شرط تناسب متوسل شوند، مورد توجه قرار گیرد» (۳۴). بنابراین در ارزیابی تناسب نباید به سنجش آثار کاربرد سلاح هسته‌ای در قسمتی از صحنه نبرد و مقایسه تناسب بین صدمات حاصله و مزیت نظامی به دست آمده پرداخت، بلکه باید به احتمال کاربرد متقابل سلاح هسته‌ای توسط نیروهای دشمن و تشدید حملات نیز توجه نمود و تناسب را با توجه به کل تحولات مورد ارزیابی قرار داد. با این همه دیوان در قسمتی دیگر از نظر خود اعلام نمود: «دیوان نمی‌تواند حق بنیادین هر دولت در بقای خود، هنگامی که موجودیتش در خطر است را نادیده بگیرد... با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل، از دیدگاه کلی دیوان به این نتیجه می‌رسد که نمی‌تواند به نتیجه‌ای قطعی در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای توسط دولتی در شرایط بسیار حاد دفاع مشروع که در آن شرایط موجودیتش در خطر می‌باشد، دست یابد» (۳۵) و در بند ۴ رأی دیوان اعلام نمود: «... تهدید به استفاده یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای عموماً مغایر قواعد حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه، و بویژه اصول و قواعد حقوق بشردوستانه می‌باشد؛ با این وجود، با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل و داده‌های موجود در نزد دیوان، این دیوان نمی‌تواند قاطعانه به نتیجه برسد که آیا تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شرایط بسیار حاد دفاع مشروع که در آن، بقای دولتی در خطر باشد، مشروع یا نامشروع می‌باشد» (۳۶). در هنگام رأی‌گیری بند ۴، ۷ قاضی دیوان به آن رأی منفی و ۷ قاضی دیگر رأی مثبت دادند و از آنجا که ریاست دیوان از طرفداران این نظریه بود، نهایتاً مطابق آیین‌نامه دیوان این عقیده به تصویب رسید.

این قسمت از نظر مشورتی با مخالفت شدید برخی قضات روبه‌رو شد. برای مثال قاضی کوروما اعلام داشت: «دیوان ... رژیم دفاع مشروع را با ایجاد دسته‌ای جدید موسوم به «بقای کشور» که استثنایی بر بند ۴ ماده ۲ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد و اصول

و قواعد حقوق بشردوستانه است، با تردید روبه‌رو ساخته است... رأی دیوان به این امر منتهی می‌شود که هر دولتی حق انحصاری تصمیم‌گیری در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را، وقتی که بقایش به‌نظر خودش در خطر است، برای خود حفظ کند؛ تصمیمی که نه تابع حقوق و نه تابع قضاوت اشخاص ثالث نمی‌باشد» (۳۷) قاضی شهاب‌الدین نیز اظهار داشت: «به‌سادگی نمی‌توان گفت دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای به‌علت وجود خطرات، موافقت نموده‌اند از امکان استفاده از این سلاحها در اعمال حق ذاتی دفاع مشروع چشم‌پوشی نمایند، با وجود این بپذیرند که علی‌رغم وجود همان خطرات، دولتهای دارای سلاح هسته‌ای بطور قانونی در اعمال حق ذاتی دفاع مشروع خود از این سلاحها استفاده کنند و حتی در شرایطی آنها را علیه دولتهای دارای سلاح هسته‌ای به‌کار گیرند... دولت فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده عدم‌گسترش سلاحهای هسته‌ای بر اساس این ماده از اعمال کامل حق ذاتی دفاع مشروع، در چارچوب ماده ۵۱ منشور ممنوع است، در حالی که دولت غیر عضو این معاهده حق دارد این سلاحها را در اعمال حق ذاتی خود در توسل به دفاع مشروع بر اساس ماده فوق به‌کار گیرد» (۳۸).

هرچند که در هنگام رأی‌گیری بند ۴، تعداد آرای مثبت و منفی این بند مساوی بود، ولی این بدین معنی نیست که تعداد موافقین کاربرد سلاح هسته‌ای و مخالفین آن مساوی است. با بررسی نظرات قضات که ضمیمه نظر مشورتی دیوان است، مشخص می‌شود که از میان هفت قاضی که به نفع بند ۴ رأی دادند، ۴ قاضی معتقد بودند که استفاده از سلاح هسته‌ای آشکارا نامشروع است و قواعد حقوق بشردوستانه را در این خصوص اعمال کردند (بجاوی، هرش، رانجوا و فلیشوئر) و نفر پنجم اعلام نمود که کاربرد این سلاح بر اساس حقوق عرفی نامشروع است (براوو). از میان هفت قاضی که رأی مخالف دادند، ۳ قاضی اظهار داشتند که استفاده از آن ممکن نیست در چارچوب حقوق بشردوستانه و در شرایط حاد مشروع باشد (سوبل، گیوم و هیگینز)، ۳ قاضی اظهار داشتند که استفاده از آنها همیشه نامشروع است (شهاب‌الدین، ویرا مانتزری و کوروما) و هفتمین قاضی (ادا) اظهار داشت که دیوان نمی‌بایست نظر مشورتی می‌داد. بنابراین از میان ۱۴ قاضی حاضر در دیوان، تنها ۳ قاضی طرفدار کاربرد سلاح هسته‌ای در موارد حاد دفاع مشروع بودند.

این پرسش به ذهن خطور می‌کند که در حالی که دیوان خود اعلام نمود استفاده از سلاح هسته‌ای ممکن است به نابودی بشریت منجر شود، (۳۹) چگونه توانست به این نتیجه برسد که استفاده از سلاحی که به نابودی احتمالی استفاده‌کننده نیز منجر می‌شود، نامشروع نیست؟ اگر این احتمال وجود داشته باشد که توسل به سلاح هسته‌ای به نابودی کلیه اشکال حیات در کره زمین منجر شود و اگر پذیرفته شود که حقوق بشر دوستانه منعکس‌کننده اراده تمامی کشورها است، آنگاه به سختی می‌توان پذیرفت کشورها قاعده‌ای را پذیرفته باشند که به خودکشی آنها و همچنین کشوری که مایل است از خود دفاع کند، منجر شود. به علاوه این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان بندهای ۴۱ و ۴۲ رأی (درخصوص رعایت اصل تناسب در دفاع مشروع) را با بند ۴ جمع کرد؟ برای این منظور دو راه وجود دارد: اول آنکه بگوییم سلاحهای هسته‌ای ذاتاً با اصل تفکیک تعارض ندارند و در شرایط بسیار حاد استفاده از آن نه به قاعده تناسب و نه به قاعده ممنوعیت وارد نمودن صدمه بیهوده به رزمندگان و سایر قواعد حقوق بشر دوستانه مغایرتی ندارد. با وجود این، اکثریت قضات معتقد بودند سلاحهای هسته‌ای ذاتاً براساس حقوق بشر دوستانه نامشروع هستند. راه دوم این است که بگوییم در برخی موارد دفاع مشروع، حقوق بشر دوستانه اعمال نمی‌شود. ولی این راه حل یادآور دکتربینهای آلمانی است که براساس آن در شرایط حاد دفاع مشروع می‌توان به منظور اجتناب از خطر، از اعمال قواعد حقوق بشر دوستانه امتناع کرد و این دکتربین در دادگاه نورمبرگ رد شد. (۴۰) این واقعیت که کشوری حق و نیاز دارد که از زور استفاده کند، حداقل در این قرن به عنوان توجیهی برای خودداری از عمل نمودن به تعهدات حقوق بشر دوستانه پذیرفته نشده است و هیچ‌یک از کشورهای حاضر در دیوان استدلال نکردند که چنین امری صحیح است. اگر اجازه دهیم که عنصر ضرورت در دفاع مشروع بر اصول حقوق بشر دوستانه غلبه کند، تمامی پیشرفتی که حقوق بشر دوستانه در طی صدسال گذشته کسب کرده به خطر می‌افتد و دورنمای بازگشت به دوران جنگهای مشروع پدیدار می‌شود. (۴۱) و این در حالی است که ماده ۵۱ منشور ملل متحد، کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ و مقدمه پروتکل ۱۹۴۹ اعمال مواد این اسناد را در تمامی شرایط مورد تأیید قرار می‌دهد، بدون اینکه بین طبیعت و مبنای مخاصمه مسلحانه

تمایزی قائل شود، بنابراین هیچ دلیلی برای این ادعا نمی‌توان یافت که حقوق بشردوستانه در شرایطی خاص مورد بی‌توجهی قرار گیرد.

از سوی دیگر، نظر دیوان به این معنی است که تمامی کشورها باید اجازه داشته باشند برای امنیت خود سلاح‌های هسته‌ای داشته باشند یا تحت پوشش چتر هسته‌ای قرار بگیرند تا بقای آنها در شرایط حاد دفاع مشروع تضمین شود، ولی این امر مغایر روح و مفاد معاهدات عدم گسترش سلاح هسته‌ای و تهدید نامحدود آن می‌باشد، (۴۲) و در عمل ۵ کشور دارای سلاح هسته‌ای و کشورهای دیگری که قویاً از عضویت در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای خودداری کرده‌اند (اسرائیل، هند و پاکستان) اجازه می‌یابند از سلاح هسته‌ای در دفاع مشروع استفاده کنند، در حالی که سایر کشورها به علت تعهدات خود مبنی بر پابندی به پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای، چنین حقی ندارند. سرانجام آنکه، «شرایط حاد دفاع مشروع که در آن بقای دولتی در خطر است» قابل تفسیر موسع می‌باشد و هر کشوری می‌تواند آن را بر اساس مصالح خود تفسیر نماید.

ه. ممنوعیت صریح سلاح هسته‌ای بر اساس معاهدات و حقوق عرفی

در ادامه، دیوان بین‌المللی دادگستری به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا بر اساس معاهدات منعده در ظرف پنجاه سال گذشته، سلاح هسته‌ای صریحاً ممنوع نگردیده است؟ و همچنین آیا در رویه دولتها، عرفی مبنی بر منع کاربرد این سلاح به وجود نیامده است؟

معاهدات منعده در این زمینه را می‌توان به ۳ دسته تقسیم نمود:

۱. معاهدات مربوط به منع آزمایشات هسته‌ای: بر اساس این معاهدات، دول عضو متعهد می‌شوند از انجام هرگونه آزمایش هسته‌ای در مناطق تعیین شده در این معاهدات خودداری ورزند (معاهده ممنوعیت انجام آزمایشات هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیردريا (۱۹۶۳)، معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (۱۹۶۶)).
۲. معاهدات مربوط به عدم استقرار سلاح‌های هسته‌ای: به موجب این معاهدات، مستقر نمودن سلاح‌های هسته‌ای در نقاط تعیین شده در معاهده ممنوع می‌باشد. براساس معاهده قطب جنوب (واشنگتن، ۱۹۵۹)، این قاره تنها مورد استفاده

مسالمت‌آمیز قرار می‌گیرد. معاهده «اصول حاکم بر فعالیت دولتها در کاوش و استفاده از فضای ماورای جو، از جمله ماه و سایر اجرام «سماوی» (۲۷ ژانویه ۱۹۶۷)، دولتهای عضو را متعهد می‌کند که از قرار دادن هرگونه وسیله حامل سلاحهای هسته‌ای یا هر نوع سلاح کشتار جمعی دیگر در مدار کره زمین، نصب این سلاحها بر روی اجرام آسمانی و استقرار آنها در فضای ماورای جو به هر شکل، خودداری نمایند. به موجب معاهده «ممنوعیت استقرار سلاحهای هسته‌ای در بستر دریا، کف و زیر اقیانوس» (۱۱ فوریه ۱۹۷۱) دول عضو متعهد می‌شوند از استقرار سلاحهای هسته‌ای یا هرگونه سلاح کشتار جمعی دیگر در بستر دریا، کف و زیر اقیانوسها خودداری نمایند. سرانجام باید از مجموعه معاهدات مربوط به منع استقرار سلاحهای هسته‌ای در مناطق مسکونی نام برد که ۴ معاهده را در بر می‌گیرد: معاهده ممنوعیت استقرار سلاحهای هسته‌ای در امریکای لاتین - موسوم به تلاتلولکو - که در آوریل ۱۹۶۸ لازم‌الاجرا شد، معاهده ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام - موسوم به راروتونگا - که در ۶ اوت ۱۹۸۵ به امضای دولتهای عضو رسید و از ۱۱ دسامبر ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا شده، معاهده ایجاد منطقه عادی از سلاحهای هسته‌ای در قاره افریقا - موسوم به معاهده پلینداپا - (ژوئن ۱۹۹۵) و معاهده مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در جنوب شرقی آسیا (۱۵ دسامبر ۱۹۹۵).

۳. معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای: این معاهده در ژوئن ۱۹۶۸ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید. به موجب این معاهده، دولتهای دارای سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند به هیچ دولت فاقد سلاح هسته‌ای این‌گونه سلاحها را منتقل نکنند و در ساخت آنها نیز هیچ‌گونه کمکی ننمایند. دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای نیز متعهد می‌شوند دست به تولید و تحصیل این سلاح نزنند. این معاهده در ابتدا برای ۲۵ سال منعقد گردید، ولی از ۱۷ آوریل ۱۹۹۵، با شرکت ۱۷۵ دولت عضو معاهده، کنفرانسی در خصوص آینده معاهده و تمدید یا خاتمه آن تشکیل شد و معاهده منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را برای مدت نامحدود تمدید کرد. (۴۳)

برای رفع نگرانی دولتهای غیرهسته‌ای در زمینه احتمال حمله هسته‌ای به آنها و همچنین با هدف ترغیب دولتها به عضویت در این معاهده، ایالات متحده امریکا،

بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی سابق با صدور اعلامیه‌های جداگانه‌ای در سال ۱۹۶۸، اعلام نمودند که در صورت تهاجم هسته‌ای یا تهدید به کاربرد سلاح هسته‌ای علیه یک دولت فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده منع گسترش، سریعاً به کمک این دولت خواهند شتافت. شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه ۲۵۵، مورخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۸، ضمن استقبال از این اعلامیه‌ها، اعلام نمود که تجاوز با سلاح هسته‌ای یا تهدید به انجام چنین تجاوزی علیه یک دولت غیرهسته‌ای، شرایطی را به وجود می‌آورد که شورای امنیت و بویژه قدرتهای هسته‌ای عضو دائم شورای امنیت باید به سرعت و بر طبق تعهدات خود بر اساس منشور ملل متحد عمل نمایند. (۴۴) در کنفرانس بازمینی و تمدید معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای نیز مجدداً این بحث تکرار شد. چند روز قبل از شروع این کنفرانس - روزهای ۵ و ۶ آوریل ۱۹۹۵ - ۵ قدرت هسته‌ای با صدور اعلامیه‌های جداگانه‌ای، تضمینات امنیتی مثبت و منفی به دول فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای دادند. براساس تضمینات منفی، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای متعهدند از این سلاحها علیه دول فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای استفاده نکنند ولی به جز چین، ۳ دولت هسته‌ای دیگر استثنایی بر این تعهد وارد کردند، براساس این استثناء، در صورتی که یک دولت فاقد سلاح هسته‌ای با همکاری یا اتحاد یکی از قدرتهای هسته‌ای دست به تجاوز یا هرگونه حمله دیگر علیه یکی از این چهار دولت، نیروهای مسلح آن، متحدین این دولت یا علیه دولتی که این ۴ قدرت نسبت به آن تعهدات امنیتی دارند بزند، این قدرتهای هسته‌ای می‌توانند علیه چنین دولت فاقد سلاح هسته‌ای متوسل به سلاح هسته‌ای شوند. البته پیش از این در سطح بین‌المللی کوششهای بسیاری به عمل آمده تا ۵ قدرت هسته‌ای متعهد شوند سیاست استفاده‌کننده نخست نبودن^۱ را بپذیرند و خود را رسماً متعهد کنند که در هیچ شرایطی اولین دولتی نباشند که به این سلاحها متوسل می‌شوند. برای نخستین بار برژنف در سال ۱۹۸۲ اعلام نمود که اتحاد جماهیر شوروی سابق در هیچ شرایطی اولین استفاده‌کننده از سلاحهای هسته‌ای نخواهد بود، ولی هیچ کدام از دیگر قدرتهای

هسته‌ای چنین تعهدی را نپذیرفتند. بویژه که استراتژی ناتو مبنی به سلاح هسته‌ای در صورت هجوم نیروهای متعارف پیمان ورشو با این سیاست مغایر بود. پس از فروپاشی شوروی در ۳ نوامبر ۱۹۹۳ وزیر دفاع وقت روسیه پاول گراچوف در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود که دکترین نظامی جدید روسیه خود را متعهد به رعایت سیاست اعلام شده توسط برژنف نمی‌داند (۴۵) بنابراین در حال حاضر هیچ‌یک از ۵ قدرت هسته‌ای از سیاست «استفاده‌کننده نخست نبودن» در تمامی شرایط پیروی نمی‌کنند. به موجب تضمین امنیتی مثبت، هر یک از دولتهای دارای سلاح هسته‌ای به عنوان عضو دائمی شورای امنیت متعهد شدند که در صورت وقوع حمله‌ای با استفاده از سلاح هسته‌ای یا تهدید به انجام چنین حمله‌ای علیه یک دولت فاقد سلاح هسته‌ای، مسأله را بدون تأخیر به شورای امنیت اطلاع دهند و اقدامات سریعی برای ارائه کمک به دولت قربانی را براساس منشور انجام دهند. (۴۶) شورای امنیت نیز در ۱۱ آوریل، ۱۹۹۵ با صدور قطعنامه ۹۸۴، از صدور اعلامیه‌ها توسط ۵ قدرت هسته‌ای استقبال نمود. (۴۷)

یکی از مباحثات مهمی که در جریان رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری به درخواست نظر مشورتی در خصوص مشروعیت کاربرد سلاحهای هسته‌ای مطرح شد، این بود که آیا معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای گامی در جهت عدم مشروعیت این سلاحها است یا برعکس، باشگاهی انحصاری از دارندگان این‌گونه سلاحها را در برابر سایر دولتهای جهان به وجود می‌آورد؟ قاضی شوبل در نظر مخالف خود می‌گوید: «معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای به مالکیت این سلاحها می‌پردازد و نه استفاده از آنها. هیچ نکته‌ای در این معاهده، استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای را مجاز یا ممنوع نمی‌سازد... این گفته که رضایت [سایر دولتها] در این مورد به ایجاد عنصر معنوی مربوط به مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای منجر می‌شود، گزافه‌گویی است.» (۴۸) مهمترین دستاورد معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای ایجاد این باور و اعتقاد در دولتهاست که افزایش تعداد دول دارای سلاح هسته‌ای می‌تواند خطر وقوع یک جنگ هسته‌ای را تشدید نماید. عضویت چین در ۹ مارس ۱۹۹۲ و فرانسه در ۳ اوت همین سال در این معاهده و تمدید نامحدود معاهده در سال ۱۹۹۵ بیش از پیش بر اهمیت و اعتبار این معاهده افزوده است با این حال آنچه که در

معاهده منع گردیده، تحصیل و کنترل سلاحهای هسته‌ای است و نه استقرار این تسلیحات در خاک چین - دولتهایی.

این سؤال مطرح می‌شود که آیا مجموع معاهدات فوق به ایجاد عرفی در زمینه ممنوعیات استفاده از سلاح هسته‌ای منجر شده است یا خیر؟ دیوان در این خصوص اظهار داشت: «... این معاهدات را می‌توان سرآغازی بر ممنوعیت عمومی استفاده از سلاح هسته‌ای در آینده دانست، ولی خود به تنهایی ایجادکننده ممنوعیت محسوب نمی‌شوند. در خصوص معاهدات تلاتولکو، راروتونگا و پروتکل‌های آنها و همچنین اعلامیه‌های صادره در خصوص تمدید نامحدود معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای می‌توان نتیجه گرفت که: الف. برخی دولتها متعهد شده‌اند از سلاحهای هسته‌ای در مناطق مشخصی (امریکای لاتین، جنوب اقیانوس آرام)، یا علیه برخی دولتها (دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش) استفاده نکنند؛ ب. با وجود این و در همین چارچوب، دولتهای دارای سلاح هسته‌ای استفاده از سلاحهای هسته‌ای را در برخی شرایط برای خود محفوظ داشته‌اند و ج. این رزورها مورد اعتراض دولتهای عضو معاهدات تلاتولکو، راروتونگا یا شورای امنیت قرار نگرفت.» (۴۹)

در کنار معاهدات منع‌ده، مجمع عمومی ملل متحد نیز اقدام به تصویب قطعنامه‌های متعددی در خصوص سلاح هسته‌ای نموده است. اولین قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد در خصوص ممنوعیت سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۵۴ و به اتفاق آرا به تصویب رسید (قطعنامه ۸۰۸) و به موجب آن، مجمع عمومی خواستار ممنوعیت کامل استفاده و ساخت سلاحهای هسته‌ای شد. (۵۰) در سال ۱۹۶۱ مجمع عمومی اقدام به تصویب قطعنامه (XIV) ۱۹۵۳ تحت عنوان «اعلامیه ممنوعیت استفاده از سلاحهای هسته‌ای و سلاحهای حرارتی - هسته‌ای» نمود و طی آن با تأکید بر اینکه سلاحهای اتمی و حرارتی - هسته‌ای موجب نابودی بشریت و تمدن شده و استفاده از آنها نفی آمال عالی و اهدافی است که ملل متحد برای دستیابی به آنها پایه‌گذاری شده، اعلام نمود که استفاده از این سلاحها مغایر روح، منطوق و اهداف ملل متحد و در نتیجه نقض آشکار منشور ملل متحد می‌باشد و استفاده از آن را ارتکاب جنایتی علیه بشریت و تمدن دانست. (۵۱) از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۵ نیز مجمع عمومی هر ساله با تصویب قطعنامه‌ای،

استفاده از سلاحهای هسته‌ای را نقض منشور ملل متحد و جنایتی علیه انسانیت نامید و از سال ۱۹۸۲ در این قطعنامه‌ها از کمیته خلع سلاح تقاضا نمود انجام مذاکراتی را در جهت نیل به توافق جهت انعقاد معاهده‌ای بین‌المللی در خصوص ممنوعیت استفاده یا تهدید به استفاده از سلاحهای هسته‌ای در هر شرایط، بر عهده گیرد. (۵۲)

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در خصوص آثار حقوقی مجموعه قطعنامه‌های مجمع عمومی اظهار داشت: «دیوان به این نکته توجه دارد که قطعنامه‌های مجمع عمومی حتی اگر الزام‌آور نباشند، در مواردی ارزش قاعده‌سازی داشته و در برخی شرایط نیز می‌توانند شواهد مهمی را دال بر وجود یک قاعده یا به وجود آمدن یک عنصر معنوی ارائه دهند. برای تعیین اینکه آیا قطعنامه مجمع عمومی چنین خصوصیتی دارد، ضروری است به محتوا و شرایط تصویب آن و همچنین، وجود عنصر معنوی در زمینه خصوصیت قاعده‌سازی آن توجه کنیم همچنین یک سری قطعنامه ممکن است نشان‌دهنده تحول تدریجی عنصر معنوی لازم برای تأسیس یک قاعده جدید باشد. با این وجود... ایجاد یک قاعده عرفی که استفاده از سلاحهای هسته‌ای را ممنوع کند، به علت ادامه اختلاف میان عنصر معنوی در حال شکل‌گیری از یک سو و اصرار بر توسل به روند بازدارندگی از سوی دیگر، با مانع روبرو شد.» (۵۳)

بنابراین به عقیده دیوان، هرچند مجموع این قطعنامه‌ها نشانگر ایجاد قاعده‌ای عرفی در این زمینه نمی‌باشد، ولی به‌خوبی مسیر توسعه تدریجی حقوق را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که اراده لازم در جهت سوق دادن حقوق به سمت ممنوعیت استفاده از سلاحهای هسته‌ای وجود دارد. پاره‌ای دیگر از دولتها برای اثبات وجود عرف در زمینه ممنوعیت استفاده از سلاحهای هسته‌ای، علاوه بر قطعنامه‌های صادره توسط مجمع عمومی به رویه عملی دولتها ظرف ۵۰ سال اخیر نیز پرداخته‌اند. به‌زعم این گروه از دولتها، عدم استفاده از سلاحهای هسته‌ای در طول این مدت و اظهارات گوناگون اکثریت دولتها مبنی بر عدم مشروعیت کاربرد این سلاح، نشان‌دهنده وجود عرفی در این زمینه می‌باشد. دیوان در این زمینه اظهار داشت که با توجه به توسل دولتها به بازدارندگی هسته‌ای در قسمت اعظم دوران جنگ سرد و اختلاف نظر آنها بر سر این موضوع، نمی‌تواند وجود عنصر معنوی را احراز کند. (۵۴) بنابراین دیوان در خصوص تشکیل

عرف، در مجموع معتقد است که هرچند عرفی شکل نگرفته است، ولی عنصر معنوی در راستای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در حال پیشرفت است. در حقیقت همان‌گونه که قاضی براوو در اعلامیه خود متذکر می‌شود، وقوع جنگ سرد مانع از شکل‌گیری مفهوم عدم مشروعیت سلاح هسته‌ای گردید و تمامی مذاکرات این دوره در خصوص خلع سلاح هسته‌ای که فاقد ارزش حقوقی است، جریان یافت. (۵۵)

و. حقوق مخاصمات مسلحانه

از جمله مسائلی که پس از ساخت سلاح‌های هسته‌ای مطرح شد این بود که آیا مجموعه قواعد ناظر بر مخاصمات مسلحانه^۱ بر کاربرد سلاح هسته‌ای حاکم می‌باشد یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، گروه اندکی بر این عقیده بودند که با توجه به اینکه بسیاری از قواعد بشردوستانه پیش از ساخت این سلاح به‌وجود آمده است و کنفرانس‌های ژنو ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷-۱۹۷۴ که به ترتیب به تدوین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی اقدام کردند، در خصوص سلاح هسته‌ای سکوت نموده‌اند و قاعده‌ای خاص در زمینه کاربرد سلاح هسته‌ای در آنها درج نشده است، بنابراین، این قواعد بر استفاده از سلاح هسته‌ای حاکم نمی‌باشند. دولتهای ایالات متحده بریتانیا، فرانسه و شوروی در جریان تدوین پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ بارها اعلام نمودند که قواعد مندرج در این پروتکل هیچ تأثیری بر استفاده از سلاح هسته‌ای ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن اشاره به استدلال این گروه (۵۶) اظهار نمود که این نحوه استدلال با خصوصیت بشردوستانه این دسته قواعد حقوقی که در خصوص تمامی سلاح‌ها قابل اعمال است، مغایرت دارد. (۵۷) هر چند دیوان در خصوص امره بودن حقوق بشردوستانه، بدین علت که چنین درخواستی از آن نشده بود، اظهار نظر نکرد، ولی بطور ضمنی این مسأله را پذیرفت که قواعد اساسی مقررات لاهه و کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ از چنین خصوصیتی برخوردارند و دیوان از آنها به‌عنوان «اصول غیرقابل تعرض حقوق بین‌الملل عرفی» نام برد. (۵۸) بدین ترتیب از نظر دیوان بین‌المللی

دادگستری هرگونه استفاده از سلاح هسته‌ای مشمول قواعد حقوق بشردوستانه می‌گردد. این اظهارنظر دیوان، از مهمترین نکات این نظر مشورتی و در زمره مواردی است که دیوان صراحتاً به نتیجه‌ای قاطع دست یافته است. نکته جالب توجه آنکه در جریان رسیدگی دیوان به درخواست نظر مشورتی مجمع عمومی نه تنها هیچ‌یک از دولتها از استدلال گروه نخست جانبداری نکردند، بلکه حتی دولتهای دارای سلاح هسته‌ای، بر اعمال حقوق مخاصمات مسلحانه در خصوص سلاحهای هسته‌ای تأکید نمودند.

دیوان بین‌المللی دادگستری سپس به بررسی مهمترین و اساسی‌ترین اصول حقوق بشردوستانه پرداخت. اولین اصل، حمایت از جمعیت و اهداف غیرنظامی و تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان می‌باشد. این اصل برای نخستین بار در اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) اعلام گردید و سپس در مواد ۲۵ و ۲۷ مقررات مربوط به حقوق و عرف جنگ زمینی، ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷، نیز مورد پذیرش قرار گرفت. در تأیید مجدد این اصل، مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۶۸ به اتفاق آرا قطعنامه ۲۴۴۴ را به تصویب رساند. به موجب این قطعنامه: «... ب. حمله علیه افراد غیرنظامی ممنوع است. ج. در تمام اوقات باید تفکیکی بین افراد شرکت کننده در مخاصمات و اعضای جمعیت غیرنظامی به منظور محافظت از گروه اخیر، اعمال شود.» (۵۹) پروتکل اول ۱۹۷۷ ژنو نیز در چندین ماده، اصل تفکیک بین رزمندگان و غیررزمندگان را مورد توجه قرار داده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در خصوص این اصل اظهار داشت: «هدف اولین اصل، حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی می‌باشد و تفکیکی بین رزمندگان و غیررزمندگان قائل می‌شود. دولتها هرگز نباید افراد غیررزمنده را هدف حمله قرار دهند و در نتیجه هرگز نباید از سلاحهایی استفاده کنند که قادر به تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی نمی‌باشند.» (۶۰) دیوان همچنین افزود که بر فرض وجود سلاحهای هسته‌ای نسل جدید که قادر به رعایت اصل تفکیک باشند، شرایط حاکم بر استفاده از آنها بیان نشده و حتی چنین استفاده محدودی ممکن است به یک جنگ تمام عیار هسته‌ای و استفاده از انواع قدیمی این اسلحه منجر شود و بر این اساس

این ادعا را فاقد مبنای لازم برای بررسی دانست.» (۶۱)

دومین اصل بنیادین، ممنوعیت ایجاد رنج بیهوده می باشد. این ممنوعیت برای نخستین بار در مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) ذکر شد. سپس در بند «ه» ماده ۲۳ مقررات ۱۹۰۷ لاهه و در نهایت بر اساس بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو مورد تأیید مجدد قرار گرفت. دیوان بین المللی دادگستری نیز در نظریه مشورتی خود اعلام داشت: «بر اساس دومین اصل، وارد نمودن رنج بیهوده به رزمندگان ممنوع می باشد. در نتیجه، استفاده از سلاحهایی که چنین رنجی را به آنان وارد می کند و یا بدون هیچ فایده ای رنج آنها را تشدید می نماید، ممنوع است. به منظور اجرای اصل دوم، دولتها از آزادی نامحدود در انتخاب سلاحهایی که مورد استفاده قرار می دهند، برخوردار نیستند.» (۶۲)

از سوی دیگر، در جریان رسیدگی دیوان بین المللی دادگستری، گروهی از دولتها بر آن بودند تا با استفاده از ممنوعیت سلاحهای سمی، بیولوژیک و شیمیایی، ممنوعیت سلاح هسته ای را نیز به دست دهند. دیوان بین المللی دادگستری در این زمینه اظهار داشت: «دیوان به این نکته توجه می کند که مقررات منضم به کنوانسیون شماره ۴ لاهه تعریفی از سم یا سلاح سمی به عمل نمی آورد و تفاسیر گوناگونی در این زمینه وجود دارد. همچنین پروتکل ۱۹۲۵ معنایی را که باید به عبارت «مواد یا وسایل مشابه» داد، مشخص نمی کند. در رویه دولتها، این عبارت در معنای معمولی خود به کار رفته اند و سلاحهایی را در برمی گیرند که اثر اولیه و یا حتی انحصاری آن سمی یا خفه کننده است. این رویه کاملاً مشخص است و دول عضو این معاهدات این واژه را اشاره به سلاحهای هسته ای تلقی نکرده اند. با توجه به این نکته، به نظر دیوان استفاده از سلاحهای هسته ای را نمی توان بر مبنای مواد فوق الذکر... ممنوع تلقی کرد.» (۶۳) در جریان رسیدگی دیوان نیز قدرتهای هسته ای به شدت با تسری ممنوعیت پروتکل ۱۹۲۵ و دیگر قواعد موجود به سلاحهای هسته ای مخالفت کردند.

تفسیر دیوان مبنی بر اینکه این متون تنها سلاحهایی را ممنوع می کنند که اثر اولیه و یا حتی انحصاری آن سمی یا خفه کننده است، نه تنها با عبارات موسع بکار رفته در این معاهدات مغایرت دارد، بلکه در عمل به این نتیجه منجر می شود که اگر به سلاحی

شیمیایی یا سمی مواد منفجره افزوده شود، دیگر مشمول ممنوعیت این کنوانسیونها نمی‌گردد. حتی اگر معتقد باشیم که آثار اولیه سلاح هسته‌ای انفجار و گرما است، ولی عملاً آثاری مشابه کاربرد سم نیز به دنبال دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد همانطور که اثر اولیه گلوله یا تیری سمی مجروح نمودن قربانی است ولی مشمول ممنوعیت نیز قرار می‌گیرد، سلاح هسته‌ای نیز ممنوع است. (۶۴)

ز. شرط مارتنس

برای نخستین بار نماینده دولت روسیه پیشنهادی را در کنفرانس اول صلح لاهه (۱۸۹۹) ارائه نمود که به اتفاق آرا مورد پذیرش قرار گرفت و در مقدمه معاهده شماره ۲ درج شد و در کنفرانس دوم صلح لاهه (۱۹۰۷) عیناً در بند ۸ مقدمه کنوانسیون شماره ۴ لاهه (در خصوص جنگ زمینی) مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و هدف از درج آن پر نمودن خلاء ناشی از فقدان مقررات بود. این شرط در سایر معاهداتی که در زمینه حقوق مخاصمات مسلحانه در قرن ۲۰ منعقد گردید نیز درج شده است (از جمله در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در خصوص ممنوعیت گازهای سمی و چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو). جدیدترین صورت این شرط در بند ۲ ماده ۱ پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو به چشم می‌خورد که مقرر می‌دارد: «افراد غیرنظامی و رزمندگان در مواردی که مشمول این پروتکل یا سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی نمی‌گردند، تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل ناشی از عرف ایجاد شده، اصول انسانیت و الزامات وجدان عمومی باقی می‌مانند.» (۶۵) دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن اشاره به تاریخچه شرط مارتنس (۶۶) ادامه درج آن در معاهدات بشردوستانه را تأکیدی بر این امر دانست که اصول و قواعد حقوق بشردوستانه، در خصوص سلاحهای هسته‌ای نیز قابل اعمال می‌باشد. (۶۷) این تفسیر مضیق دیوان از شرط مارتنس، مشابه تفسیری است که قدرتهای هسته‌ای در جریان مباحثات دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمودند و کوشیدند شرط مارتنس را به گونه‌ای تفسیر نمایند که مغایرتی با کاربرد سلاح هسته‌ای نداشته باشد. بدین ترتیب، شرط مارتنس نیز نمی‌تواند به تنهایی در خصوص ممنوعیت استفاده از سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

دیوان پس از بررسی قواعد بشردوستانه، در نتیجه‌گیری اعلام نمود: «استفاده از چنین سلاحهایی به سختی قابل جمع با چنین الزاماتی می‌باشد. با این وجود، دیوان توجه می‌کند که عناصر کافی برای نتیجه‌گیری قطعی در این خصوص که استفاده از سلاحهای هسته‌ای الزاماً مغایر اصول و قواعد حقوقی قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه در تمامی شرایط می‌باشد را در اختیار ندارد.» (۶۸)

ح. حمایت از دولتهای بی‌طرف

بر اساس ماده ۱ کنوانسیون پنجم لاهه ۱۹۰۷، سرزمین قدرتهای بی‌طرف غیرقابل تجاوز است. این سوال مطرح می‌شود که آیا کاربرد سلاح هسته‌ای و بویژه انتشار تشعشعات رادیواکتیو که ممکن است بخشهای وسیعی از کره زمین را تحت تأثیر خود قرار دهد، با تعهدات طرفین مخاصمه مبنی بر عدم تجاوز و وارد نمودن خسارت به دولتهای بی‌طرف مغایر نیست؟ بدون شک در صورت وقوع خسارت، حقوق بین‌الملل عرفی - که از جمله در قضیه ترابیل اسملتر بیان شده و به‌موجب آنکه دولتها موظفند از انجام فعالیتهایی در داخل خاک خود که منجر به ورود خسارت در خاک دولت همسایه می‌شود، خودداری ورزند و در صورت وقوع خسارت آن را رفع نمایند - دولت به‌کار گیرنده سلاح هسته‌ای را ملزم می‌کند که اقدام به پرداخت غرامت نماید، ولی در بسیاری از موارد خسارات ناشی از کاربرد سلاحهای هسته‌ای همچون تأثیرات ژنتیکی و بروز بیماریهای گوناگون از قبیل انواع سرطانها تا سالیان دراز پدیدار نمی‌شوند و حتی در مواردی مانند غیرقابل سکونت شدن سرزمینها، خسارت غیرقابل تقویم و ارزیابی است. به علاوه، هیچ دولت همسایه یا بی‌طرفی پرداخت خسارت را هر بار که انفجاری حرارتی - هسته‌ای به‌وقوع می‌پیوندد، راه‌حل مؤثر این مسأله تلقی نمی‌کند. (۶۹)

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در خصوص این امر که آیا قواعد بی‌طرفی در جنگی که سلاح هسته‌ای در آن به‌کار گرفته می‌شود، قابل اعمال است یا خیر، اظهار می‌دارد: «دیوان همانند اصول حقوق بشردوستانه قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه به این نتیجه می‌رسد... که اصل بی‌طرفی - هر محتوایی که داشته باشد - دارای طبیعتی بنیادین مشابه اصول و قواعد بشردوستانه است و (با توجه به مواد مربوطه در

منشور ملل متحد) در خصوص تمامی مخاصمات مسلحانه، بدون توجه به نوع سلاحی که مورد استفاده قرار خواهد گرفت، قابل اجرا می‌باشد. (۷۰)

نتیجه‌گیری

مسأله مشروعیت استفاده از سلاح هسته‌ای یکی از مشکل‌ترین درخواستهای نظر مشورتی است که دیوان در طول فعالیت خود با آن روبرو بوده است، به گونه‌ای که قریب ۲۰ ماه طول کشید تا دیوان موفق به صدور نظر مشورتی خود شود. دیوان برای نخستین بار اعلام می‌کند که استفاده از سلاح هسته‌ای همانند استفاده از سایر تسلیحات تابع حقوق مخاصمات مسلحانه می‌باشد. همچنین دیوان در این نظر مشورتی به تجزیه و تحلیل حقوق بشردوستانه پرداخته و نظر مشورتی دیوان در برگیرنده مسائل مهمی در خصوص این قواعد و نحوه تفسیر آنها است. با این حال، خودداری دیوان از اعلام این مطلب که سلاحهای هسته‌ای همیشه و در همه موارد ممنوع هستند، نشان می‌دهد که معتقدین به غیرقانونی بودن این سلاح شکست خورده‌اند و بر عکس طرفداران مشروعیت سلاح هسته‌ای در عمل پیروز شدند و بزرگترین آرزوی دسته اخیر از کشورها، مبنی بر اینکه سیاست بازدارندگی هسته‌ای نباید نامشروع تلقی شود، بطور کامل مورد پذیرش قرار گرفت. با این وجود، باید به موقعیت خطیر دیوان نیز توجه نمود. اگر دیوان تصمیم می‌گرفت که به درخواست مجمع عمومی پاسخی ندهد، موجب ناخرسندی کشورهای مطرح‌کننده این درخواست مشورتی (که اکثراً کشورهای جهان سوم بودند) می‌شد. اگر دیوان صراحتاً کاربرد سلاح هسته‌ای را در تمامی موارد ممنوع اعلام می‌کرد، مخالفت شدید کشورهای دارای سلاح هسته‌ای را بر می‌انگیخت و از سوی دیگر، اگر صراحتاً اظهار می‌داشت که برخی از کاربردهای سلاح هسته‌ای مشروع است، موقعیت خود را در بین کشورهای جهان سوم به خطر می‌افکند.

با این همه، مهمترین نکته در نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را می‌توان گامی دانست که این دیوان در خصوص خلع سلاح هسته‌ای برداشته است. بر اساس ماده ۶ معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای، هر یک از اعضای معاهده متعهد می‌شود مذاکراتی را با حسن نیت در خصوص انجام اقداماتی مؤثر برای توقف مسابقه

تسلیمات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای انجام دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اهمیت این ماده اظهار داشت. «اثر حقوقی این تعهد، فراتر از تعهد به فعل ساده است و تعهدی برای نیل به یک نتیجه مشخص - خلع سلاح هسته‌ای در تمامی ابعاد - با در پیش گرفتن رویه عملی مخصوصی یعنی تعقیب مذاکرات در این زمینه با حسن نیت کامل می‌باشد.»

بدین ترتیب، نه تنها برای نخستین بار دیوان بین‌المللی دادگستری اقدام به ارائه تعریفی از حسن نیت می‌نماید، بلکه نشان می‌دهد که تعهد قدرتهای هسته‌ای بر اساس ماده ۶ معاهده، نه تعهد به انجام مذاکرات، بلکه تعهد به دستیابی به خلع سلاح هسته‌ای می‌باشد. این اظهار نظر دیوان با استقبال مجمع عمومی ملل متحد روبرو گردید و مجمع عمومی در قطعنامه‌های سال ۱۹۹۶ خود از تمامی دولتها درخواست نمود به منظور اجرای این تعهد، مذاکرات چندجانبه‌ای را در سال ۱۹۹۷ با هدف انعقاد کنوانسیونیه منظور ممنوعیت توسعه، تولید، آزمایش، انباشت، انتقال، تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای و نابودی سلاحهای موجود، آغاز نمایند.

یادداشتها

1. W.H.A. Res. 46/40, 14 May, 1993.
2. G. A. Res. 49/75k, Dec., 1994.
3. "Legality of the use by a state of Nuclear Weapons in Armed Conflicts," Advisory opinion, *I.C.J. Reports*, 1996, p.10, paras. 20 and 21.
4. *Ibid.*, p. 17, para. 32.
5. "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons," Advisory opinion, *I.C.J. Reports*, 1996, p.8, para. 11.
6. *Ibid.*, p.8, para. 12.
7. *Ibid.*, pp.10-11, para. 15.
8. *Ibid.*, p.11, para. 16.
9. *Ibid.*
10. *Ibid.*, p.35, para. 105 (1).
11. *Ibid.*, pp.13-14, para. 25.

12. Hearn, W., "The International Legal Regime Regulatíng Nuclear Deterence and Warefare," *British Yearbook of International Law*, 1990, p. 238.
13. LeBlanc, L., "The Intent to Destroy Groups in the Genocide Convention; The proposed U.S. Understanding," *American Journal of International Law*, vol.78, 1984, p. 380.
14. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, p.14, para. 26.
15. Momtaz, D.: "The United Nations and the protection of the Environment: from Stockholm to Rio de Janeiro," *Political Geography*, vol. 15, N. 3 & 4, 1996, p.40
16. Schindler and Toman (eds), *The Laws of Armed Conflict* (Martinus Nijhoff publishers, 1988), p.164.
17. *Ibid.*, p.645.
18. G. A. Res. 35/7, 28 Oct., 1982.
19. Tarasofsky, R.G., "Legal protection of the Environment during International Armed Conflict," *Netherlands Yearbook of International Law*, vol. XXIV, 1993, p.41.
20. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, p.29, para. 84.
21. *Ibid.*, p.15, para. 29.
22. *Ibid.*, p.15, para. 30.
23. *Ibid.*, p. 16, para. 31.
24. G. A. Res , 43/37, 25 Nov., 1992.
25. I. C. J. Reports, *Op.Cit.*, p. 16, para. 32.
26. Elliot, J. and Reginald, R., "The Arms Control, Disarmament and Military Security Dictionary," ABC -CLIO Inc., 1988, pp. 224-225.
27. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, p.19, para. 47.
28. *Ibid.*, p.19, para. 48.
29. *Ibid.*, p.33, para. 96.
30. *Ibid.*, p.13, para. 48.
31. Declaration of Shi juyong, "Legality of the Threat or Use of Nuclear

- Weapons, Advisory Opinion I.C.J. Reports, 1996, p.1.
32. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, p.18. para. 41.
33. *Ibid.*, p.18, para. 42.
34. *Ibid.*, p.18, para. 43.
35. *Ibid.*, p.33, para. 96-97.
36. *Ibid.*, p.36, para. 105.
37. Dissenting Opinion of judge Koroma, "Legality of the Threat of Use or Nuclear Weapons," Advisory Opinion, *I.C.J. Reports*, 1996, pp.3-4.
38. Dissenting Opinion of Judge Shahabuddeen, "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons," Advisory Opinion, *I.C.J. Reports*, 1996, p.6, para. 29.
39. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, p.17, para. 35.
40. Doswald - Beck, L., "International Humanitarian Law and the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons," *International Review of the red Cross*, 1997, p.54.
41. Greenwood, C., "The Advisory Opinoin on Nuclear Weapons and the Contribution of the International Court to International Humanitarian Law," *International Review of the Red Cross*, 1997, p.74.
42. Fujita, M., "The Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legality of Nuclear Weapons," *International Review of the Red Cross*, 1997, p.63.
43. Final Document on Extention of the Treaty on the Non - Proliferation of Nuclear Weapons, *International Legal Materials*, No.3, 1995.
44. S. C. Res. 255, 19 July, 1968.
45. Lockwood, D., "Nuclear Arms Control."
46. Legality of the Threat of Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion. *I.C.J. Reports*, 1996, p.23, Para. 59 (c).
47. S. C. Res. 984, 11 Apr., 1995.
48. Dissenting Opinion of Schwebel, "Legality of the Threat or Use of

- Nuclear Weapons," Advisory Opinion, *I.C.J. Reports*, 1996, pp.2-3.
49. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, pp.24-25, para. 62.
50. G. A. Res. 808 (IX), 4 Nov., 1954.
51. G. A. Res. 1653 (XVI), 24 Nov, 1961.
52. See for example G. A. Res. 37/100 c, 13 Dec., 1982.
53. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, pp.26-27, paras. 70-73.
54. I.C.J. Reports, 1996, *Op.Cit.*, p.25, Para. 67.
55. Declaration *de ferrari Bravo*, "Legality of the Threat or use of Nuclear Weapons," Advisory Opinion, *I.C.J. Reports*, 1996, p.2.
56. *I.C.J. Reports*, p.30, Para. 85.
57. *Ibid.*, p.30, Para. 86.
58. *Ibid.*, p.28, Para. 79.
59. G.A.Res. 2444 (XXIII), 19 Dec., 1968.
60. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, p.28, para. 78.
61. *Ibid.*, p.32, Para. 94.
62. *Ibid.*, p.28, Para. 78.
63. *Ibid.*, p.21, Paras. 55-56.
64. Doswald - Beck, *Op.Cit.*, p.47.
65. Schindler and Toman, *Op.Cit.*, p.628.
66. I.C.J. Reports, p.28, paras. 78.
67. *Ibid.*, p.30, Para. 87.
68. *Ibid.*, p.32, Para. 95.
69. Singh , N. and Mcwhinney. E., *Nuclear Weapons and Contemporary International Law* (Martinus Nijhoff Publishers, 1988), pp.186-187.
70. I.C.J. Reports, *Op.Cit.*, p.31, para. 39.